

هفته نامه تحلیلی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

صبح قریب

هفته اول آذر ماه ۱۳۹۸ / سال دوازدهم، شماره ۱۵۱

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه اراک



چاپی و الکترونیکی



تحریف مطالبه

مردم در عمل انجام شده!

⊙ خوابگاه‌ناز نینی داریم ما!

در صفحه ۲ بخوانید

⊙ هیکو فراموش نشود!

در صفحه ۲ بخوانید

⊙ اعتراض در چارچوب قوانین و مقررات

در صفحه ۳ بخوانید

⊙ فقدان استراتژی در دولت

در صفحه ۳ بخوانید

⊙ موضع رهبری

در صفحه ۲ بخوانید

⊙ تحریف مطالبه

در صفحه ۲ بخوانید

تحریرف مطالبه مردم در عمل انجام شده

سیاسی

حامد آقار

موضع رهبری

حضرت آیت الله خامنه ای: "بالاخره وقتی یک تصمیمی گرفته شد از ناحیه سران سه قوه، بحث دولت نیست، بحث وزارتخانه نیست، سران سه قوه کشور نشستند یک تصمیمی گرفتند؛ به یک پشتوانه کارشناسی هم متکی است. گفتم من صاحب نظر نیستم در این قضیه لکن به عنوان یک آدمی که می بیند مسئولین کشور تصمیم گرفتند. زمان امام (رضوان الله علیه) هم همین جور بود؛ یک کارهایی را مسئولین، سران سه قوه تصمیم می گرفتند و اجرا میشد، حالا هم همین جور است." لذا، با توجه به ورود جریان معاند و ضدانقلاب برای تفکیک کردن میان دولت و حاکمیت، اشتباه اول و بنیادین آن است که در محافل نخبگان و خروجی های خبری و تحلیلی، اعلام بشود که این اقدام دولت است و عده ای از موضع مخالفت با دولت، با آن برخورد کنند. با توجه به فرمایشات رهبری، ایشان تنها، اصل تصمیم به اصلاح قیمت بنزین و سهمیه بندی را مورد تأیید قرار داده اند و اعلام کردند در این موضوع و نحوه چگونگی اجرا دخالتی نداشته اند و این موضوع صرفاً بر اساس اعتماد به تصمیمات سران قوا و عقبه کارشناسی است؛ به عبارت دیگر رهبر انقلاب وارد جزئیات و نحوه اجرا نشده است. اظهارات رئیس قوه قضائیه، و احمد توکلی درباره روند تصمیم گیری و اجرای این طرح هم نشان می دهد، عملاً کار به شکل دولتی اجرا شده است و اساساً جزئیات اجرا در اختیار دولت گذاشته شده است. از سوی دیگر موضوعاتی که توسط رهبر انقلاب مورد توجه و تأکید قرار گرفت، وعده و قول مسئولان دولتی مبنی بر **عدم اجازه برای افزایش تورم و گران شدن اجناس و کالاها** است، سؤال اصلی این است که دولت چگونه و با کدام نگاه اقتصادی می تواند از افزایش قیمت ها جلوگیری کند؟ دولتی که تا قبل از پروژه افزایش قیمت بنزین به صراحت اعلام می کرد که تصمیمی برای دخالت در بازار و کنترل قیمت ها ندارد و یکدیگر را برای آنکه در بازار دخالت نکنند، تشویق هم می کردند؟! خبر دیگری که منتشر شد، حاکی از توصیه و تذکر رهبر انقلاب درباره چگونگی اجرای پروژه افزایش قیمت بنزین است. رهبر انقلاب خطاب به رئیس جمهور می گویند: "اگر می خواستید چنین کنید، چند روز زودتر یارانه ای را که به مردم وعده داده بودید، به حسابشان واریز می کردید." رهبر انقلاب در ادامه تأکید کرده اند که "حالا هم ظرف یکی دو روز وجه موردنظر را به حساب مردم واریز کنید." رهبر انقلاب در فرمایشات خود به نکته دیگری هم اشاره کردند که قابل توجه است، ایشان فرمودند: "بنده در این قضیه سر رشته ندارم یعنی تخصص این کار را ندارم، گفتم هم به آقایان؛ گفتم من چون نظرات کارشناس ها هم در این قضیه بنزین مختلف است، بعضی ها آن را لازم و واجب می دانند بعضی ها مضر می دانند..." بر اساس این فرمایش رهبری، مشخص است که نظرات کاملاً مخالف نظر دولت و سران قوا هم درباره عدم اجرا یا چگونگی اجرا وجود داشته است و این دولت و سران قوا هستند که باید برای افکار عمومی توضیح دهند نظرات مخالف چه بوده است و سران، بر اساس چه شاخصه ای به این نظر و این نوع اجرا رسیده اند، تمامی ابهامات در همین نقطه وجود دارد که دولت و دیگر مسئولین، چه شاخصه ای و چه حجتی برای قبول این نظر کارشناسی و رد دیگر نظرات کارشناسان داشته است.

شد و مسئولین دولتی برخلاف وعده های قبلی مبنی بر اینکه هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین (دست کم در سال جاری) گرفته نشده است، به ناگاه قیمت را یک شبه سه برابر کرده اند. در چنین وضعیتی، دولت و شخص آقای روحانی باید تمامی تلاشش را برای ترمیم اعتماد عمومی، به کار ببندد و جناب روحانی هرچه سریع تر به مردم بگوید دلیل و پیوسته هایی که باعث شد به این نتیجه برسد که طرح بدین شکل اجرا شود، چیست. اینکه دولت توانسته بدون هیچ مقدمه ای به یک باره بنزین را سه برابر کند و به جایی پاسخ ندهد و ژست ناجی مردم بگیرد و مدعی شود این گرانی بنزین به نفع مردم است بدون آن که چند دقیقه ای در توجیه اقتصادی چنین طرحی و فواید واقعی آن برای مردم به دور از شعارها سخنی گفته شود، حس اعتراض را قوی تر می کرد. اینکه با چه معیاری قیمت بنزین را ۳ هزار تومان کرده است؟ با چه معیاری تنها ۶۰ لیتر بنزین سهمیه ای به خانوارها اختصاص داده است؟ آیا سامانه شفافی که نشان دهد پول بنزین به جیب دولت نمی رود طراحی شده است؟ بیشتر از همه، "مردم را به حساب نیاوردن" و "آنرا را در عمل انجام شده قرار دادن"، آسیب جدی به "جمهوریت" و "اسلامیت" نظام وارد می آورد. چنین آسیب هایی برای ماه ها و حتی سال ها گریبان گیر نظام و کشور خواهد بود. سوء مدیریت در سطوح بالا میتواند اصلی ترین عامل تحریک کننده ی آشوب ها باشد چراکه ضدانقلاب خوب میدانند که با اوضاع زشت و زننده و وحشیانه خیابانی نمیتواند ساختار حکومت را تغییر دهد و این کار به مرور باعث ایجاد نفرت و انزجار عمومی از آنان میشود؛ پس دلیل ایجاد این شلوغ بازی ها و اغتشاشات چیست؟! ضدانقلاب تا دندان مسلح، با قدرت میلیون دلاری دست به اقدامات خرابکارانه امنیتی میزند تا علاوه بر تحت فشار قرار دادن حاکمیت و تهیه خوراک رسانه ای برای رسانه های مزدور و معاند، مدیران سطوح بالای کشور و تصمیم گیران نظام را دستپاچه کند! دستپاچگی مسئولان کشور میتواند ساختار حکومتی را به صورت محسوس و ناگهانی دچار تزلزل و تحوّل کند. در این میان مردم قربانی بی تدبیری سیاسیون داخلی و قربانی کینه توزی اپوزیسیون میشوند و مطالبات به حق شان در فضای امنیتی به وجود آمده، به سمت براندازی حاکمیت منحرف میگردد و خواسته هایشان به سرعت به فراموشی سپرده میشود؛ به طوری که همان رسانه های برانداز هم دیگر از این مطالبات، سخنی به میان نمی آورند چراکه در آن برهه چندان سوژه ی جذابی برای غوغای خیابانی نیست و به نوعی از مد افتاده است. از طرفی استکبار جهانی هم در این هیاهو دست روی دست نمیگذارد بلکه تمام قوای خود را به کار میگیرد تا مردم مورد نظر خودش را به خیابان های ایران بکشاند؛ مردم مورد نظر استکبار همان هایی هستند که دونالد ترامپ آنان را "مردم بزرگ ایران" نامید و از آشوب های به وجود آمده شدیداً حمایت کرد اما انگار این مردک نادان فراموش کرده مردم واقعی ایران زیر شدید ترین تحریم های اقتصادی که شخص شخیص ترامپ برایشان وضع کرده، روزگار میگذرانند! حال چه شده که رئیس جمهور گاوچران زبان به تملق مردم ایران باز کرده است؟! خدا میداند...

سخن را از اینجا آغاز کنیم که مردم باز در عمل انجام شده قرار گرفتند و تا خواستند اعتراضشان را به منصف ظهور برسانند، براندازان و منافقان و سلطنت طلبان نه چندان گرمی در صفوف مردم پنهان شدند و به روی امنیت ملی کشور اسلحه کشیدند. ماجرا از یک خبر غافلگیرانه شروع شد؛ سهمیه بندی بنزین و افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت آن به یکباره بدون هیچ آمادگی ذهنی برای افکار عمومی و بدون ارائه هیچ توجیه اقتصادی، موجی از اعتراضات بنزینی را آغاز کرد. مطالبه مردم به حق بود و هست؛ مردم دلیلی نمی دیدند که بنزین سه برابر شود با این پیش زمینه که چند ماه پیش از سوی مسئولین شنیده بودند که حداقل تا پایان سال، طرح افزایش قیمت بنزین اجرا نخواهد شد. در واقع مردم در عمل انجام شده قرار گرفته بودند. اعتراضات بنزینی از لایه های مختلف اقشار مردم شروع شد ولی به دست معاندین فرصت طلب و همیشه حاضر در صحنه منحرف گردید. از آنجایی که گروه های ضدانقلاب به ویژه منافقین و سلطنت طلب ها کاملاً شبکه هستند و برای ایجاد ناامنی مترصد ایجاد شکاف های اجتماعی حاصل از نوسانات اقتصادی یا چالش های گسترده گروه های سیاسی هستند، انتظار می رفت که در آشوب های اخیر ید طولایی داشته باشند که از قرار معلوم با آتش زدن پمپ بنزین ها، مساجد، مغازه ها، سازمان های دولتی و... بر این ادعا صحنه گذاشتند. این شیوه اما متفاوت با مشی پیشین ضدانقلاب در ایران است. ضدانقلاب عزیز (!) پیش از دی ماه ۹۶ به دنبال رقم زدن آشوب در کشور و در مرحله بعد به دنبال یارگیری از مردم بود اما در مدل فعلی ابتدا مردم در واکنش به تلاطمات اقتصادی یا سیاسی به میدان می آیند و بعد ضدانقلاب از فرصت به وجود آمده بهره برده و تعدادی از مردم را با خود همراه می کند. با گذشت چند روز از اغتشاشات، بدنه حداقلی مردمی نیز کنار می رود و ایجاد ناآرامی و آشوب توسط همان حلقه اول ادامه می یابد. با این حساب جهت اثبات جدا بودن صف مردم از آشوبگران و اغتشاشگران و فتنه انگیزان، دیگر نیازی به اثبات سقراط و بقراط نداریم. همه میتوانند این موضوع را درک کنند که مردم عادی مسلح نیستند و آنقدر مهارت آتش زدن هم ندارند که بتوانند در آن بلوا، ساختمان چهار طبقه ای را در کوتاه ترین زمان ممکن با آتش، خاکستر کنند! طبیعی است که اغتشاشگران تربیت شده بودند و با انگیزه خاصی اموال عمومی را مورد عنایت قرار میدادند... از این ها که بگذریم به دولت محترم میرسیم. به هر حال افزایش قیمت بنزین و سهمیه بندی آن، جمع بندی سران نظام بوده است اما اجرای مصوبه سران قوا، از وظایف دولت است. اینجا باید از دولت محترم پرسید دقیقاً چه پیوسته های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در راستای حقوق عامه و اقناع افکار عمومی وجود داشته است و دولت چگونه به این پیوسته ها عمل کرده است و اگر همگان مخالف نحوه اجرا به شکل دولتی بوده اند، دولت بر اساس کدام نظرات کارشناسی، به این شکل پروژه بنزین را اجرا کرده است. از طرفی عدم توجه دولت به جلب اعتماد افکار عمومی هم قابل توجه است. دولت نمی تواند از زیر بار این واقعیت شانه خالی کند که در پروژه افزایش قیمت بنزین، ضربه سنگینی به اعتماد عمومی وارد



فقدان استراتژی در دولت

نقدی کوتاه به اقدامات شتاب زده دولت

سیاسی

حمید شجاعی



مبتنی بر فقدان استراتژی‌های اطلاع‌رسانی در دولت و کشور است. قطع اینترنت خود نشان می‌دهد که دولت قاعد استراتژی درخصوص اطلاع‌رسانی است. اینکه تصمیم افزایش قیمت بنزین در چه در شرایط و با چه شکلی عملی و اجرایی شود روش‌های خاص خود را می‌طلبد. بهتر بود در چنین شرایطی که فشارهای سنگینی به مردم وارد و طبقه متوسط جامعه به طبقه ضعیف نزدیک‌تر شده، این کار مرحله به مرحله انجام می‌شد؛ نه یکباره! حتی اگر دولت مجبور بود که این کار را انجام دهد، می‌توانست از ماه‌ها جلوتر در میزگرد یا مصاحبه‌ای مردم را قانع کند. ضعف در اطلاع‌رسانی و توضیح دادن مشکلات به مردم از قبل وجود داشته و اکنون شدیدتر شده و موجب ایجاد شکاف میان دولت و مردم خواهد شد. وقتی از رسانه، آگاهی بخشی، اطلاع‌رسانی و مفاهیم متفاوتی از این دست در حوزه ارتباط سیاسی سخن می‌گوییم باید پارادایم‌های مشخص این معانی را در جامعه ملی و در بافت زمانی معین مشخص کنیم. ما زمانی می‌توانیم این معنا را درک کنیم که در پارادایم سیاسی و سیاست گذاری حاکم بر عرصه رسانه‌ای مردم را ولی نعمت، محق و دارای شأن و منزلت آگاه و انتقال دانی و مشارکت بخشی در توسعه قلمداد کنیم. وقتی دولت و حکومت مردم را در باب موضوعات مشخص در یک وضعیت پیش رو مطلع نمی‌سازند موجب واگرایی مردم از دولت از منظر رسانه‌ای و اطلاع پذیری و همگرایی بیشتر با رسانه‌های معاند و بهره‌برداری از آنها می‌شود. بدین ترتیب بحران اعتماد و اعتبار رسانه‌ای خواه ناخواه پس از چند وقت ایجاد و این بحران می‌تواند رسانه‌های رسمی کشور که به هر تقدیر به حکومت چه از منظر ساختاری و چه از منظر کارکردی و محتوایی وابسته‌اند را از متن به حاشیه براند.

یکدست و با یک تفکر وزرای خود را با گرایش‌ها و تفکرات مختلف از جناح‌های متفاوت برگزیده است. لذا بیش از یک دولت و تیم منسجم و هماهنگ به نوعی شرکت سهامی تبدیل شده که هر کدام از جریان‌ها و جناح‌ها به فراخور سهمیه خود به حمایت از دولت می‌پردازند. از این روست که بعضاً شاهد مواضع رسانه‌ای مختلف از سوی برخی از دولتیون هستیم که فقدان اطلاع‌رسانی را نشان می‌دهد. با این اوصاف حسن روحانی که با پایگاه رای ۲۴ میلیونی به ریاست جمهوری رسید با عملکردهای انتقادآمیز در حوزه‌های مختلف و عدم رسیدگی به مطالبات مردم و وعده‌های داده شده، نوعی بی‌اعتنایی عمدی نسبت به پشتوانه رای مردمی خود را رقم زد و هنوز معلوم نیست که چرا روحانی این گونه به رای مردم پشت پا زد. گرچه به قرائت برخی، روحانی چون به رای مردم احتیاجی ندارد این گونه به رای مردم پشت کرد. با این حال می‌توان یکی از نقاط ضعف دولت تدبیر و امید که از ابتدای روی کار آمدن تا کنون هیچ گاه درصدد ترمیم آن بر نیامده را فقدان استراتژی اطلاع‌رسانی درست دانست که سر منشأ بسیاری از ناکامی‌ها و ناکارآمدی‌های دولت بوده است. با کمال تأسف چون در ایران ارتباط جمعی به یک نهاد تبدیل نشده و از اقتدار لازم برای ایجاد هنجار برخوردار نگردیده نقش ارتباطات و اطلاع‌رسانی در ایران تبدیل به نقشی فردی و کم اهمیت شده است و هرچه مصیبت بر جامعه می‌رود از همین روست. افرادی که اکنون مسئولیت‌های ارتباط جمعی و اطلاع‌رسانی را در کشور به‌عهده می‌گیرند هیچ اطلاعاتی در زمینه اهمیت آن ندارند. دولت کدام نهاد، مراکز و افراد متفکر را دور خود جمع کرده که بخواهد چنین امری را جدی بگیرد. استراتژی، سیاست گذاری و برنامه‌ریزی وجود ندارد و بسیاری از این حوادث و تلخ کامی‌های آزار دهنده

کارشناسان و صاحب نظران بارها بر این نکته تأکید داشتند که دولت حسن روحانی فاقد استراتژی رسانه‌ای است و نمی‌تواند آن طور که باید در مورد طرح‌های در دست اجرای خود به طور دقیق اطلاع‌رسانی کرده و مفید و مؤثر با مردم سخن بگوید. مؤید این سخن نیز طرح افزایش قیمت بنزین است که تصمیم آن در سطح سران قوا در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی اتخاذ شد اما دولت به عنوان مجری طرح نه تنها از پیش به مردم اطلاع‌رسانی نکرد، بلکه با عدم اطلاع‌رسانی به موقع موجبات نارضایتی جامعه را نیز فراهم آورد. هر چند که پر واضح است با این اتفاق روحانی سرمایه اجتماعی خود را به‌طور کامل از دست داده و چندان محبوبیتی در جامعه ندارد. بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که دولت حسن روحانی از ابتدا تاکنون خیلی کم در مورد طرح‌های در دست اجرا به اطلاع‌رسانی و شرح و تفصیل آن پرداخته و بیشتر اظهارات رئیس جمهور و وزرا بر مبنای یک سری کلیات در موضوع رقم خورده است. هر چند دو نمونه از طرح‌هایی که دولت نسبت به آنها اطلاع‌رسانی کرد، در عرصه سیاست خارجی برجام و در عرصه بهداشت و درمان طرح تحول سلامت بود که اولی در بالاترین سطح طرفینی مانده و دومی هم با کناره‌گیری وزیر کنار گذاشته شد. اما شاید مهم‌ترین طرح در دست اجرای دولت که در نشست سران قوا به تصویب رسید، طرح افزایش قیمت بنزین بود که با نارضایتی‌ها و واکنش‌های بسیاری همراه بود. در این بین بسیاری معتقدند که اگر دولت برای خود استراتژی اطلاع‌رسانی مشخصی داشت و در زمان معین به شرح و تفسیر مزایا و معایب آن طرح می‌پرداخت، شاید اکنون دیگر شاهد ناآرامی در کشور نبودیم. نکته دیگر اینکه دولت در طی شش سال گذشته ترکیب چندان موزونی نداشته و به جای دولتی

اعتراض در چارچوب قوانین و مقررات

سیاسی

سید محمد میرحسینی



نمیشود، بلکه مردم دچار زیان‌های زیادی میشوند و آنگونه که تاریخ گواه است خودشان با حضورشان به مخالفت با این نوع رفتارها می‌پردازند. افرادی که در مقابل مردم و معنای واقعی اعتراض قرار می‌گیرند و به ضربه زدن و نابود کردن بیت المال و حقوق مردم می‌پردازند، معمولاً نه تنها از بدنه اصلی مردم نیستند بلکه از جانب کسانی که این اعتراضات تزیق میشوند که با هرچه بیشتر سختی کشیدن و ناراحتی مردم شادتر و خشنودتر هستند. هدف آنها این است که از این فضا برای ضربه زدن به مردم و از بین بردن زیر ساخت‌هایی استفاده کنند که از زحمت و مالیات همین مردم به دست آمده است و بیشترین ضربه را به مردم و کشور وارد کنند. چیزی که تاکنون در تاریخ ایران ثبت شده است این است که مردم با تمام سختی‌ها به هیچ وجه اجازه عرض اندام به این عوامل نفوذی نداده‌اند و خودشان آن‌ها را از صف مردم جدا کردند و با حضور و ایستادگی پای نظام و کشورشان امید واهی این‌ها را ناامید و پایبندی خودشان را به اصول اسلام و قانون اساسی را اعلام کردند. بصیرت و وفاداری مردم چیزی است که وحشت بر دل دشمنان و بدخواهان انداخته و سیلی محکم بر تمام کسانی که بدبختی آن‌ها را می‌خواهند نواخته است. مشخصاً اعتراض درست و در مسیر درست راهگشا و از حقوق واقعی ملت است که مردم در مواقع نیاز به خوبی از این حق بهره‌مند میشوند و مطالبه‌گری خود را پیگیری میکنند.

بر این چهارچوب و مبانی اعتراضی است. حتماً شنیده‌اید "مردم و اشرار"؛ اما تفاوت این‌ها در کجاست مگر همه این‌ها معترض نیستند؟ پس چگونه راه این‌ها از مردم جدا میشود و اشرار و محل امنیت خوانده میشوند؟ با نگاهی گذرا به مردم و اطرافیان خودمان که از قشر متوسط و حتی از دهک‌های کم درآمد جامعه هستند میتوان به نتایجی رسید، مردم هر چند معترض و نارضاض باشند به بیت المال و تجهیزات عمومی آسیب نمی‌رسانند، در خیابان‌ها به وسایل نقلیه عمومی حمله نمی‌کنند و همینطور خودروهای مردمی که از خودشان هستند و با تمام این سختی‌ها که بر معترضین وارد هست آنها هم گلاویز هستند به آتش نمی‌کشند. آری مردم فقط و فقط خواستار رسیدن به مطلوب هستند اما همین که خیابان‌ها شلوغ میشود، از همه جا صدا بلند میشود که آری این مخالف کشور و قانون و نظامشان هستند و تمام توان خود را در به بیراهه کشاندن اعتراضات مردم میکنند، چیزی که روشن است در این مسیر نه تنها هدف مردم محقق

افراد از حقوق مختلفی برخوردارند که یکی از مهمترین حقوق هر فرد حق اعتراض به وضعیتی است که از نظر او نامطلوب به نظر میرسد و برای او این مهم است که جهشی از وضعیت نامطلوب به مطلوب اتفاق بیفتد هر چند که صرف اعتراض درست بودن درخواست معترض را مطرح نمی‌کنند اما فرد با توجه به دیدگاه خودش حق اعتراض و حق فهم و درک درست مطالبی را دارد که نسبت آن معترض است. این حرفی نیست که من نویسنده و یا هر فرد دیگری بخواهد آن را از خودش مطرح کند و حتی را خارج از قاعده به دیگران بدهد، بلکه وفق اصل ۲۷ قانون اساسی: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. آن چه که مهم است این است که هر انتقاد و اعتراضی باید در چهارچوب درست و منطقی و با فهم به مبانی درست اعتراض و انتقاد و پیشنهاد اتفاق بیفتد. کلمات جالبی که گاهی در اعتراضات به چشم می‌خورد و آن را متضاد از هم می‌خواند خود دلیلی روشن



هیپکو فراموش نشود!

صدای کارگران لا به لای بحران بنزینی فراموش نشود!

سیاسی

حامد کرامت



سازی کوثر بابت فشار هایی که آقای زنگنه به بخش خصوصی وارد کرد، توانستند رقیب خارجی خود را در مزایده کنار بزنند و برنده مزایده شوند. در همین زمان ها بود که ماشین آلات ساخته شده ی هیپکو در حالی که در انبار ها خاک می خوردند، ۴۰۰ دستگاه دست دوم چینی از بندر عباس و خرمشهر وارد ایران شدند و مردم هم به جای خرید ماشین آلات هیپکو، دستگاه های چینی را خریداری کردند و در آخر هم معلوم نشد چه کسانی آن دستگاه ها را وارد کردند؟! در سال ۱۳۹۰ اولین سر و صدای کارگران باعث شد برخلاف میل سازمان خصوصی سازی آقای عطاریان راهی زندان شود و از او وکالتی گرفته شد تا سازمان خصوصی سازی بتواند سهام هیپکو را به شخص دیگری واگذار کند که آن فرد آقای اسد الله احمدپور بود. این فرد را آقایان زمانی قمی استاندار سابق اراک و پوری حسینی شناسایی و تاییدش کرده بودند و در مصاحبه ای ایشان را فردی با تدبیر و با اندیشه و صنعت گر و نماینده ی برند اطلس آلمان معرفی کردند. در صورتی که صلاحیت فنی و ملی این فرد توسط اطلاعات سپاه پاسداران به دلیل داشتن ۵۰ میلیارد چک برگشتی و بدهی های دیگر رد شده بود اما باز هم با اصرار آقایان این فرد به عنوان سهام دار هیپکو معرفی شد و سهام هیپکو را که ۲۱۶ میلیارد می ارزید، با پرداخت ۱۰ میلیون تومان در قالب دو فقره چک صاحب شد که نتیجه اش می شود هیپکو و این همه بدهی و کارگرانی که برای اینکه صدایشان به گوش مسئولین برسد، باید ریل را ببندند. از آن جایی که دانشجو مؤذن جامعه است تنها گوشه ای از مشکلات این کارخانه را بازگو کردیم تا شاید مسئولین به فکر چاره اندیشی باشند و قصه ی پر غصه ی هیپکو را لا به لای بحران بنزینی اخیر فراموش نکنند.

مدیره گماشت. واگذاری این کارخانه از همان ابتدا با اشکالات زیادی همراه بود. چراکه مقدار سهام هیپکو را ۷۴ میلیارد تومان ارزش گذاری کردند. در صورتی که ارزش زمین های این کارخانه بدون احتساب ابزار ها و ماشین آلات موجود در انبار بیش از ۷۴ میلیارد تومان ارزش داشت اما در نهایت این پول هم پرداخت نشد بلکه آقای سهام دار ۲۵ الی ۳۰ میلیارد تومان وام از بانک پارسیان گرفت که دو قسط اول آن را به صورت نصفه و نیمه داد و بقیه ی آن را نداد. به گفته ی یکی از کارگران آقای عطاریان روزی که برای کارگران صحبت می کرد گفته است: "بنده در بین دوستان و آشنایانم کسانی را دارم که در پست های مهم وزارتی مشغول به کار هستند، بنده مسئولیت های زیادی را داشته ام اما این مسئولیت بزرگ تر از آن چیزی است که فکرش را می کردم." با آمدن آقای عطاریان طولی نکشید که میان او و آقای رفیعی خوش نام و با سابقه که هیپکو را به اوج خود رسانده بود تعارض هایی به وجود آمد و او با کارخانه هیپکو خداحافظی کرد و رفت. به گفته دکتر علی اکبر کریمی نماینده اراک در مجلس شورای اسلامی آقای زنگنه ۱.۵ میلیارد تومان بابت یک سال کار در کارخانه هیپکو اخذ کرده است و آقای عطاریان و شرکت واگن

شهریور ماه امسال بود که صدای پتک های یک کارخانه به صدای فریاد و اعتراض کارگران تبدیل شد، کارخانه ای که فعالیتش را از سال ۱۳۵۴ آغاز کرد، کارگرانی که در جبهه های جنگ حضور نداشتند اما با ساخت ماشین آلات راهسازی که برای ساخت جاده ها و خاکریز ها استفاده می شد، نقشی متواضعانه ولی پررنگ داشتند. در زمان بعد از جنگ نیز برای سازندگی از همین ماشین آلات شرکت هیپکو استفاده می شد، در آن زمان مدیری جوان به نام علی محمد رفیعی مدیر عامل این کارخانه بود، او با مدیریتی صحیح و اعزام کارگران و مهندسان به خارج از کشور برای سپری دوره های آموزشی متعدد کارخانه هیپکو را به غنی ترین کارخانه ی کشور تبدیل کرده بود. همین اتفاقات باعث شد که رفیعی ۱۷ سال به عنوان مدیر عامل کارخانه هیپکو بماند، همه چیز به خوبی پیش می رفت تا اینکه در سال ۱۳۸۵ گول بزرگ صنعتی به بخش خصوصی واگذار شد و در واقع پروژه ی از پا درآوردن آن استارت خورد. در سال ۱۳۸۵ شرکت واگن سازی کوثر در مزایده برنده شد و آقای علی اصغر عطاریان به واسطه ی این شرکت صاحب کارخانه ی هیپکو شد. عطاریان ابتدا رفیعی را در سمت مدیر عاملی خود ابقا کرد و بیژن زنگنه را در پشت میز هیئت

خوابگاه نازنینی داریم ما!

طنز

محیا ظهیری



شاید بگویید حالا انگار غذای سلف چه شاهکاری است که انقدر برایش دست و پا بشکنیم. این را فقط یک خوابگاهی از نوع دانشجو مستضعف و کم وقتش می داند. خلاصه که توافق نامه ۵+۱ شکست خورد. آمدیم از خستگی این جلسه خوابی درست درمان برویم، هم اتاقی استعداد درخشانمان گیر داده بود که من درس دارم و فردا هم امتحان. که چه؟ با برق خاموش نمیشود درس خواند، حالا بیا و درستش کن که نامسلمان آخر گناه ما چیست؟ هیچ! گفتیم: عیب ندارد فو قش تا خود صبح سرمان را زیر پتو می کنیم حالا یا خفه می شویم یا زنده می مانیم! دیدیم نه همچین بلند بلند می خواند انگاری مناظره سیاسی در دانشگاه دارد. بیدار ماندیم، تا استعداد درخشانمان درسش را بخواند بلکه بعدش کپه مرگمان را بگذاریم. آنقدر کربن و پیوند داتیو کرد که من خود یک مدرس شیمی آلی شده ام. ساعت ۵ صبح رضایت داد، خواب تشریف ببریم. بماند که چشمان داشت از حدقه در می آمد! هنوز سرمان به بالش نرسیده بود، ساعت زنگ دار گوشی به صدا در آمد، که ساعت ۶ است. بلند شو که از سرویس جا نمایی. بماند که جنازه مان از تخت بلند شد! خلاصه که خوابگاه نازنینی داریم ما!

به رویمان با عجله پیدایش شد که بیایید و مشورت بدهید در مهم ترین توافق نامه ۵+۱، که حالا چه بود؟ من غذای ماکارونی را انتخاب کنم با قیمت ۱۹۵۰ تومان یا غذای تن ماهی با قیمت ۲۰۰۰ تومان؟! گفتیم: عزیز من حالا چه فرقی می کند این غذا و آن غذا ندارد. گفت: انگاری نفست از جای گرمی بلند می شود که مسلمان فرقش در ۵۰ تومان است، کم چیزی است؟ حالا شاید مسخره کنید ولی راست میگفت! برای ما بچه های شهرستانی خوابگاهی، ۵۰ تومان هم ۵۰ تومان است. خلاصه که با توافق و دو دو تا چهار تا قرار شد همان ماکارانی ۱۹۵۰ تومان را رزرو کند، آمد گوشی را بردارد که رزرو کند، دید ساعت ۱۲ است و سایت تغذیه بسته شد... آخ! عجب بساطی داشتیم. بنده خدا حال کسی را داشت که عزرائیل سراغش را گرفته است.

خوابگاه نازنینی داریم ما! رفته بودم اتاق دوستم تا کمی تجدید خاطره کنیم. برایتان نگوییم چه خاطره ای شد! فلاکسی که به خاطر یک هفته تعطیلی دلچسبمان چند روزی بود خاک میخورد، شده بود معقر اصلی سوسک های جدی خوابگاهمان، همچین لانه کرده بودند و بچه روی بچه آورده بودند انگاری برای جنگی کشته وار ارتش ترتیب داده بودند. خلاصه که لانه اصلیشان شده بود و به هر چی شباهت داشت الا همان فلاکس چایی دیروز ما! آنقدرها هم که فکر می کنید حوصله نداریم و زرننگ نیستیم که فلاکس بیچاره را پاک سازی کنیم. پس همان طوری گذاشتیم معقر بماند و سوسک ها کیفش را کنند! چایی که گیرمان نیامد، نگاه کردیم به ساعت دیدیم ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه است. آمدیم بیسکوییتی بخوریم. یک مرتبه همسایه اتاق رو

شما میتوانید آزادانه انتقادات و پیشنهادات خود را در رابطه با هفته نامه "صبح قریب" و همچنین مسائل دانشگاه (مشکلات صنفی و آموزشی) از طریق شماره ۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶ به اشتراک بگذارید

تلنگر به دانشگاه

یکی از مشکلات همیشگی دانشجویان در طول ترم تحصیلی، تعویق در دریافت وام های تحصیلی و دانشجویی است. با اینکه ترم جاری رو به پایان است ولی هنوز وام های تحصیلی به حساب متقاضیان واریز نشده و دلیل این امر کماکان نامشخص است. دانشجویان متقاضی وام به مبلغ ناچیز وام دانشجویی نیاز دارند وگرنه منتظر ناهماهنگی های اداری و تأخیر در پرداخت چندرغازی وام نمی نشستند! گفتیم بلکه تلنگری به دانشگاه باشد.

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه اراک

مدیر مسئول: رسول یوسفی

سردبیر، طراح و صفحه آرا: حامد آقار

basijaraku

basij_araku

۰۹۳۷۶۴۴۵۷۲۶